

## ارتباط پیامدهای ناشی از مواد مخدر و میزان توسعه فرهنگی

اکرم حضرتی لیلان

### چکیده:

مقاله حاضر به بررسی پیامدها و تهدیدات مواد مخدر و نقش آن در میزان توسعه فرهنگی جامعه می‌پردازد و فرضیه اصلی آن اینست که انحرافات مربوط به مواد مخدر یکی از آسیب‌های عمده اجتماعی هستند و در تعامل با میزان توسعه فرهنگی می‌باشد و هر چه شدت سوء مصرف مواد (اعتیاد - خرید و فروش و قاچاق) بیشتر باشد، سلامت، امنیت فردی و اجتماعی، هنجارها، قوانین و ساختارهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی را مختل نموده و نقش نیروی انسانی خود را در جامعه به درستی اعمال نمی‌کنند. جامعه آماری بررسی حاضر شامل ۱۱۸۱ نفر زندانی بندهای مربوط به مصرف یا خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر زندان تبریز در فروردین سال ۱۳۸۸ و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۲۹۰ نفر بود که نمونه‌ها به روش تصادفی ساده استخراج شدند.

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است و گردآوری داده‌ها با پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته است. در پرسشنامه تحقیقی از طیف لیکرت برای سنجش میزان انواع پیامد مواد مخدر (پیامد فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی) و میزان توسعه فرهنگی استفاده شده است. در این بررسی از تکنیک‌های آماری تحلیل عاملی برای تعیین روایی و ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی سؤالات استفاده شد که در نتیجه سؤالات پرسشنامه از روایی و پایایی لازم برخوردار بودند. در آزمون روابط متغیرها از تحلیل‌های آماری همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شد که عمده‌ترین نتایج بدست آمده به شرح زیر می‌باشد: اعتیاد به مواد مخدر یک آسیب اجتماعی جدی است و میزان توسعه یافتگی تحت تأثیر پیامدهای اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و بهداشتی ناشی از آن قرار دارد. که در این پژوهش و در بین زندانیان مورد مطالعه و با توجه به مدل رگرسیونی انجام شده، به ترتیب پیامد بهداشتی، پیامد اقتصادی و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی ناشی از مواد مخدر، فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی‌سازی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیرهنجاری عمل نماید و در نتیجه با ادامه انحراف اولیه، انحراف‌های ثانویه نمود پیدا کرده در نتیجه در خانواده از نقش تربیتی فرزندان، در جامعه از مشارکت اجتماعی و سیاسی و... شانه خالی می‌کنند و بنابراین بسترهای مساعدی را جهت عدم توسعه فرهنگی فراهم و بالطبع همراه با سایر موانع توسعه موجب عقب ماندگی فرهنگی می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** توسعه فرهنگی، پیامدهای فرهنگی اجتماعی مواد مخدر، پیامدهای اقتصادی مواد مخدر و پیامدهای

بهداشتی مواد مخدر.

**مقدمه:**

توسعه فرایندی است جامع و پویا که با گذر زمان، جهت‌گیریها و استراتژی‌های آن دستخوش تحول گردیده و باید دائما با تغییرات جامعه و نیازهای آن هماهنگ شود (سایت آفرینش). در توسعه آنچه نقش تعیین‌کننده‌ن‌هایی را بر عهده دارد، نوع کنش و واکنش یا به عبارت بهتر نوع تعامل مثبت در قالب یک ارتباط دیالکتیکی میان فرهنگ و عناصر دیگر جامعه همچون اقتصاد، سیاست و... است (سایت امید). مهمترین ویژگی تمایز بخش حیات انسانی از حیات غیرانسانی فرهنگ است که دارای عناصری همچون هنجارها، باورها و ارزش‌ها می‌باشد (سایت همدان پیام). عوامل بسیاری در توسعه و عدم توسعه در یک جامعه نقش دارند.

سوء مصرف و اعتیاد به مواد مخدر یکی از بلایای بزرگی است که بشر امروزه در همه جای جهان با آن دست به گریبان است و یکی از مهمترین عوامل و تأثیر گذار در بین جوانان می‌باشد که همچون مانعی در نیل به توسعه یافتگی جوامع می‌باشد. یک سوم طلاق‌های ثبت شده به دلیل اعتیاد است و شصت درصد از فضای زندان‌های کشورمان را معتادان اشغال کرده‌اند [ممتازی، ۱۳۸۱: ۱]. بنابراین در این تحقیق، پژوهشگر بر آن است تا پس از شناسایی برخی پیامدهای (فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی) سوء مصرف مواد در بین جوانان، نقش آن را در میزان توسعه فرهنگی جامعه بیان نماید.

**بیان مسئله:**

توسعه فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد [سایت امید]. بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی نمی‌توان بدنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود. از این رو طی سال‌های اخیر، مفهوم توسعه فرهنگی مورد توجه بسیاری از مجامع جهانی از جمله یونسکو قرار گرفته است [سایت امید]. یکی از ارکان مهم توسعه، سلامت جسم و روح است که با وجود آن می‌توان از انسان به عنوان موجود ناطق و عاقل، انتظار پیشرفت و توسعه دانست. یکی از موانع مهمی که در زندگی انسان‌ها می‌تواند از بالندگی، توسعه و پیشرفت جلوگیری نماید، مصرف مواد مخدر و اعتیاد به انواع آن می‌باشد. مسئله مواد مخدر و اعتیاد یکی از بلایای خانمانسوز است که آفتی بر پیکر جوامع بشری است که طی آن قدرت تفکر، خلاقیت، توان، کوشش و سازندگی را از انسان‌ها گرفته و بنیان خانواده و اعتقاد و باورهای دینی آن‌ها را در معرض نابودی و از هم پاشیدگی قرار داده است و متأسفانه روز به روز، رو به گسترش است [رفی، ۱۳۸۳: ۱۱].

طبق آمار رسمی تعداد معتادان کشور دومیلیون نفر ذکر گردیده که میانگین سنی این افراد ۱۸ سال است و این در حالی است که ۱۱ میلیون نفر از جمعیت کشور با مشکل اعتیاد خود یا اطرافیان دست به گریبانند [ممتازی، ۱۳۸۱: ۱۲]. بر اثر مصرف این مواد هر ماه حدود ۱۰۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند و ۳۴٪ طلاق‌های ثبت شده در کشور به علت اعتیاد والدین به مواد مخدر است. این در حالی است که سن اعتیاد به مواد مخدر نسبت به چند سال گذشته حدود ۱۰ سال کاهش یافته است [منبع پیشین، ۱۲]. بنابراین در مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که مصرف مواد مخدر چه پیامدهایی در جامعه و زندگی شخصی و خانوادگی افراد از خود به جا می‌گذارد و نقش آن در عدم توسعه فرهنگی یک جامعه چقدر است؟

**اهمیت و ضرورت پژوهش:**

توسعه فرایندی اجتماعی و مبتنی بر عقلانیت و عمل است که در این زمینه جامعه از وضعیت غیر عقلانی نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می‌کند [سایت علی اختر شهر]. اگر زمانی عنصر اصلی توسعه «رشد اقتصادی» بود، امروزه چهار موضوع رشد اقتصادی، عدالت در توزیع، مشارکت اجتماعی و ارزش‌های متعالی عناصر اصلی توسعه به شمار می‌آیند. اگر در ابتدای دهه ۶۰ میلادی بیشتر بعد اقتصادی توسعه مورد توجه بود، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران سایر ابعاد، از جمله توسعه فرهنگی مورد توجه قرار گرفت [منبع پیشین]. با توجه به مفهوم توسعه در نظریه‌های تغییرات اجتماعی، اهمیت آن نمایان می‌شود چرا که توسعه به معنی رشد و ترقی و تکامل انسان‌ها در همه ابعاد وجودی بشر است و شاخص‌های غیرمادی حیات انسانی نیز مانند شاخصه‌های مادی از اولویت بالایی برخوردار

است [سایت همدان پیام]. از جمله مصائب جهان امروز که سلامت میلیون‌ها انسان را به شدت تهدید می‌کند، اعتیاد به مواد مخدر است. اعتیاد به مواد مخدر یکی از مسائل روز جامعه عنوان می‌شود. گرایش به اعتیاد و مواد مخدر از آسیب‌هایی است که انسان را نسبت به معنویت و فرهنگ اجتماعی بیگانه می‌سازد و موجبات انحطاط و فروپاشی زندگی فردی و حیات جامعه را فراهم می‌سازد [دهقان سفیدان، ۱۳۸۵: ۵]. اگر چه اعتیاد خود زاییده مشکلات بسیاری از جمله مشکلات اجتماعی است ولی خود نیز به وجود آورنده مشکلات مختلف اجتماعی می‌باشد [برفی، ۱۳۸۳: ۴۰]. اعتیاد معلول عامل واحدی نیست و مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم به آن جان می‌بخشند، البته در رابطه با خصایص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معتادان، نقش یک عامل می‌تواند از سایر عوامل تعیین کننده‌تر باشد [منبع پیشین: ۱۰۸].

اعتیاد به عنوان یک آسیب اجتماعی، خود منشاء آسیب‌های بسیاری است که ویرانگریهای حاصل از آن زمینه‌ساز سقوط ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می‌باشد [رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۲]. اعتیاد به مواد مخدر نیز به نوبه خود در عدم پیشرفت، انزوا و عدم توسعه سریع فرهنگی از چند بعد می‌تواند مؤثر باشد. فرد مبتلا به این بیماری نمی‌تواند نقش خود را در خانه و محیط کار بدرستی ایفا نماید. بنابراین فرزندان بدرستی تربیت نشده و به نوعی عقب ماندگی فرهنگی در جامعه دچار خواهند شد در این مقاله سعی شده است مصادیق عدم توسعه فرهنگی بر مبنای پیامدهای مواد مخدر تشریح شود. در این زمینه پرسش اساسی اینست که تا چه حد پیامدهای مواد مخدر مانع توسعه فرهنگی می‌شود؟

## اهداف پژوهش:

هدف کلی: تعیین رابطه بین پیامدهای فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی مواد مخدر و میزان توسعه فرهنگی

## اهداف اختصاصی:

- الف. تعیین رابطه بین پیامدهای اقتصادی مواد مخدر و میزان توسعه فرهنگی
- ب. تعیین رابطه بین پیامدهای بهداشتی مواد مخدر و میزان توسعه فرهنگی
- ج. تعیین رابطه بین پیامدهای فرهنگی-اجتماعی مواد مخدر و میزان توسعه فرهنگی

## تعریف مفاهیم و متغیرها :

توسعه فرهنگی: انبساط فکری جامعه در جهت جانشین کردن مراتب عقلی به جای مراتب پیش فرضی در قواعد تصمیم‌گیری است. فرهنگ یک مفهوم ساختاری است که جامعه به وسیله آن قالب ریزی می‌شود. همچنین نظام تعلیم و تربیت مقوله‌ای است که می‌تواند فرهنگ را به شکل بلندمدت تحت تأثیر قرار دهد و آن را متحول سازد و آن را به سمتی هدایت کند که آرمان توسعه‌ای یک کشور خواهان آن است [سایت فارس نیوز]. توسعه فرهنگی، بهینه سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع است.

**ماده مخدر:** ماده مخدر ماده‌ای است دارای خواص و اثرات معین که قابل اندازه‌گیری است اما اثرات آن ممکن است با چارچوب ذهنی مشاهده کننده یکسان نباشد. ماده مخدر به معنای ماده‌ای که به میزان زیاد بر ذهن اثر می‌گذارد مورد تأکید دانشمندان علوم اجتماعی است. این ماده بر کارکرد ذهن، وضع روحی، عاطفی، احساسات و ادراکات و فرایند تفکر تأثیر می‌گذارد [Kuppert Kupper: 1999].

## مبانی نظری:

در یک نگاه کلی می‌توان نظریات و تئوریهای ارائه شده درباره علل و عوامل توسعه و عدم توسعه را در چهار گروه طبقه بندی کرد:

- الف. تئوریهایی که در بررسی مسائل عقب ماندگی و توسعه فقط به عوامل درونی و داخلی توجه دارند
- ب. تئوریهایی که علل و عوامل عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را در خارج از این جوامع جست‌وجو می‌کنند و در واقع فقط به علل خارجی توجه دارند ج. تئوریهایی که در بررسی علل و عوامل عقب ماندگی کشورهای جهان سوم، هم به علل داخلی توجه دارند و هم به

علل خارجی، ولی بر علل خارجی بیشتر تأکید می‌کنند - نظریه‌هایی که در تبیین علل عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته سهم بیشتر رابه علل داخلی می‌دهند؛ نظیر نظریه انسجام درونی از محمود سریع القلم. در این تحقیق، توسعه فرهنگی با توجه به نظریه انسجام درونی و توجه به عوامل داخلی قابل شرح است. وی مشتقات توسعه یافتگی را ذیل چهار مولفه برشمرده است:

الف. مشروعیت ب. نگرش عقلایی ج. نظام تربیتی د. راه‌ها و کاربردها [سایت اسلامیک هیستوری].

دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان انحراف در جامعه اوج می‌گیرد. به زعم دورکیم نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر قاطع‌تری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و اطاعت از قوانین و عرف را به عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد، زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، و در مردم حالت سردرگمی عارض می‌شود [مؤمنی، ۱۳۸۱: ۳۲]. در این حالت شکاف طبقاتی به وجود می‌آید و افراد سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع انحراف‌ها و قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد [صدیقت، ۱۳۸۴: ۶]. دورکیم معتقد است، جامعه‌ای که در آن بی‌هنجاری وجود داشته باشد، در خطر تلاشی قرار می‌گیرد، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک خطوط راهنمایی در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس نگرانی و بی‌جهتی می‌کنند [Doob, 1988, 172].

### نظریه ساخت اجتماعی و آنومی از مرتن:

از نظر مرتن، جامعه‌ای آنومیک است که در آن خواست‌ها و نیازهای اجتماعی تناسب معقولی با وسایل و امکانات برای برآوردن نیازها و خواست‌ها نداشته باشند مثلاً جامعه بر آرمان‌هایی تکیه می‌کند و به آن‌ها پافشاری کند، بی‌توجه به این که وسایل و تمهیدات و امکانات رسیدن به این آرمان‌ها برای تقریباً اغلب افراد جامعه فراهم نیست [فریاری، ۱۳۷۶: ۳۳]. در این میان، این افراد هم از لحظه‌ای که با این شکاف میان اهداف و وسایل مواجه می‌شوند، در وضعیت روانی خاصی قرار دهد. بدین شکل وی به این نکته توجه می‌دهد که شکلهای متفاوت کجروی، ممکن است از نوعی تمایل به هم‌نوایی نشأت بگیرد. بدین شکل که این افراد بر حسب میزان درونی کردن یکی از دو عنصر اهداف و وسایل مشروع، ناچار خواهند شد تا یکی از آن دو را برگزینند، و دیگری یا حتی هر دو آن‌ها را انکار کنند [سلیمی و محمد داوری، ۱۳۸۶: ۲۰۷].

### نظریه ساختاری فرست، فقر و انحراف:

از نظر مرتن وقتی فقر در جامعه گسترش می‌یابد که جامعه ابزار و امکانات تولید ثروت را یکسان توزیع نمی‌نماید و استعداد و توانایی اعضای جامعه برای تلاش مشروع نیز به طور یکسان پرورش نمی‌یابد. بنابراین در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق‌پذیری، رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای پاسخگویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند [ربانی، ۱۳۸۵: ۲۵۷]. که نتیجه آن تضعیف قانون و عادی جلوه دادن انحراف است. آسیب اجتماعی گسترش می‌یابد و بخش عظیمی از رفتار انحرافی شخص از حیطه کنترل وی خارج می‌شود که هرچه سطح ناتوانی و یا احساس ناتوانی و فقر فرد بیشتر باشد دلیل‌تراشی برای انحراف او نیز افزایش می‌یابد.

بی‌سواد و کم‌سواد، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد، گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد [عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۷]. در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند [صالحی، ۱۳۷۸، عبداللهی، ۱۳۷۸].

### نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی در تفسیر علل گرایش به انحراف:

عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی، کنترل

اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامدهای رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است. جرمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند. در مطالعات دورکیم (۱۸۳۷)، مرتن (۱۹۵۷)، پارسونز (۱۹۴۲) و پارک و برگس (۱۹۲۷) همبستگی معنی داری میان رفتار انحرافی و عواملی چون جنس-تراکم جمعیت و رشد جمعیت - شهرنشینی و مذهب دیده شد. اینان معتقدند: عوامل اجتماعی افراد را کنترل می‌کنند و وقتی که این عوامل بی ثبات شوند افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند. فقدان ثبات در ساختار اجتماعی رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت.

یانگ به اتفاقاتی که در نهادهای اجتماعی جامعه مدرن در حال وقوع است، به خصوص به نهاد خانواده، نظام شغلی و اجتماعات محلی، اشاره دارد و تأثیر آن‌ها را بر انگیزه افراد برای درست رفتاری و کج رفتاری مورد بحث قرار می‌دهد. بک و کیدنز، نیز معتقدند، تغییرات جامعه صنعتی، در ابتدای رشد به دلایل مختلف، از جمله رشد تسهیلات زندگی و افزایش رفاه نسبی با استقبال مردم روبرو بوده است. اما جامعه امروزی به دلیل افزایش آثار نامطوب صنعتی شدن مانند آلودگی محیط زیست، آلودگی هست‌های، افزایش جمعیت و فراوانی بیماریهای جدید مانند ایدز، شیوع مواد مخدر و غیره مشروعیت خود را از دست داده است [مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۸۱: ۴۰].

یانگ به تغییراتی که در سه رکن جامعه امروزی یعنی خانواده، وضعیت شغلی و اجتماعات محلی، اتفاق افتاده است به آثار آن‌ها در رفتار شهروندان توجه کرده است [یانگ، ۲۰۰۱: ۲۷-۵]. میان اعضای خانواده امروز، ارتباطات و تعامل کاهش یافته است. مشاغل در جامعه امروزی بیشتر جنبه قراردادی و موقت دارند. هویت شغلی پایدار نیست و نمی‌تواند رفتار فرد را کنترل کند. این وضعیت نه تنها احساس هویت را کاهش می‌دهد، بر احساس نایمی شهروندان نیز می‌افزاید [مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۸۱: ۴۱].

نظریه خنثی سازی:

دیوید ماتزا (۱۹۶۴) در تبیین بزهکاری جوانان معتقد است: فرایند بزهکار شدن بدون فهم زندگی درونی عامل رفتار، چنان که خود به رویدادها و اموری که او را در هراس می‌افکند معنا می‌بخشد، معنای ناچیزی دارد بنابراین پیش فرض ماتزا سعی می‌کند به معنا و مفهومی که بزهکار برای کنش خویش دارد دست یابد و رابطه میان باورها و کنش فرد را بیابد، زیرا باورها انگیزه و محرک کنش هستند و بدون فهم باورها تبیین بزهکاری فاصله بسیاری با واقعیت بزهکاری دارد. ماتزا معتقد است نباید در بررسی بزهکاری قضاوت ارزشی نموده و ارزش‌های خود را تحمیل کرد. ماتزا (۱۹۶۴) پیش فرضهای نظریه پردازان خرده فرهنگی (کوهن، میلر و کلووارد و اهلاین) را انتقاد کرده و بر این باور است که جوانان طبقه پایین نه از فرهنگ مسلط جامعه تبعیت می‌کنند و نه آن را مردود می‌شمارند. آنان بر این باورند که در عالم واقع پیشامدهایی برای آنان به وجود می‌آید که موجب پایین آمدن شئونشان می‌شود. چنین باور و تفهم از عالم واقع سبب می‌گردد تا تقید اخلاقی به نظم قانونی را خنثی ساخته و یک نوع ساخت‌های زبانی را بیاموزند که آن ساخت‌ها آنان را قادر سازد که رفتار بزهکارانه را توجیه نمایند. به اعتقاد ماتزا استفاده از فنون خنثی سازی جوانان، جوانان طبقات پایین را قادر می‌سازد بدون اینکه احساس تقصیر کنند، خارج از چارچوب اخلاق و قانون عمل نمایند [احمدی، ۱۳۷۷: ۸۴].

## نظریه کنترل اجتماعی:

دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند. ولی اگر در جامعه همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند در حالی که کسانی که از اجتماع بریده‌اند ممکن است تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند. بنابراین کجروی‌ها و نوع کنترل اجتماعی با توجه به ساختار جامعه به شکل حکومت، فرهنگ، ساختار، نهادهای اجتماعی و... متفاوت است. [ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۵].

نظریه کنترل بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌داند، بنابراین بزهکاری و جرم‌ها، یکسو، محصول عوامل فردی کنترل نظیر خود پنداری منفی، ناکامی، روان پریشی و

اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می‌شود. در تبیین انحرافات اجتماعی اندیشمندان نظریه کنترل بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده‌اند [رید، ۲۰۰۰].

برخی از مقوله‌های کنترل بر تحلیل بزهکارانه جوانان عبارتست از:

- ۱- کنترل مستقیم، که والدین آن را از طریق تنبیه و تشویق اعمال می‌کنند.
- ۲- کنترل غیر مستقیم، که به وسیله آن جوانان از رفتار بزهکارانه خودداری می‌کنند زیرا این رفتار ممکن است موجب نگرانی و ناامیدی برای والدین یا دیگرانی باشد که با آن‌ها روابط نزدیکی دارند.
- ۳- کنترل درونی، که به وسیله آن آگاهی از احساس تقصیر و گناه و شرم جوانان را از درگیر شدن در رفتار بزهکارانه باز می‌دارد [احمدی، ۱۳۸۴: ۸۶].

هیرشی معتقد است: کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدینشان پیوند می‌خورد.

به باور هیرشی، درگیر شدن جوانان در فعالیت قراردادی و متداول به آن‌ها وقت کافی برای مشغول شدن به فعالیت‌های بزهکارانه و یا متداول نمی‌دهد. اگر این درگیر شدن با مؤلفه چهارم تقید و تعهدات یعنی اعتقاد به هنجارهای عادی همراه باشد، فرد نه تنها در فعالیت‌های متداول مشغول می‌شود بلکه به این باور می‌رسد که قواعد و قوانین حاکم بر جامعه صحیح است و خود را ملزم به پیروی از آن‌ها می‌داند. بنابراین، هر چه شخص کمتر به هنجارهای عادی معتقد باشد و کمتر خود را درگیر فعالیت‌های متداول نماید احتمال بیشتری وجود دارد که هنجارها را نقض و مرتکب رفتار بزهکارانه شود [احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱].

### نظریه همنشینی افتراقی :

ساترلند (۱۹۴۲) اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. همنشینی افتراقی بر این پیش فرض بنا شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرا می‌گیرد. [احمدی، ۱۳۸۴: ۹۵]. گاتفریدسون و هیرشی معتقدند که خود کنترلی پایین محصول ضعف در انجام وظایف والدین است، اگرچه ممکن است در طول زمان به جهت تأثیر نهادهای اجتماعی دیگر ضعف والدین تا حدودی جبران شود، ولی خود کنترلی پایین در فرد درونی شده و پایدار می‌ماند. به باور آنان، خود کنترلی پایین علت ارتکاب جرم نیست، ولی با فرصت‌های جرم‌زا در تعامل است و هنگامی که فرصتی برای ارتکاب جرم فراهم شود افراد با خود کنترلی پایین احتمالاً تسلیم این فرصت‌ها می‌شوند [احمدی، ۱۳۸۴: ۹۳].

نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که رفتار ناهنجار و انحرافی آموختنی است و هر چه ارتباط با افراد منحرف بیشتر باشد، به همان نسبت انحراف اجتماعی در افراد بیشتر به وجود می‌آید. دوین ساترلند معتقد است که رفتار انحراف از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران آموخته می‌شود [ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۰].

### نظریه برچسب زنی:

نظریه برچسب زنی در برابر جامعه‌شناسی کارکرد گرایی انحرافات و بوم‌شناختی شیکاگو به وجود آمد. پیش فرض اساسی نظریه برچسب زنی این است که اساس و مبنای انحراف اجتماعی تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان دارد. گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانین که خدشه دار کردن آن‌ها کزروی محسوب می‌شود، مفهوم کجرفتاری را می‌سازند. در نتیجه انحراف به صورت عملی که واقع شده نیست، بلکه نتیجه اعمال آن قانون توسط دیگران نسبت به فردی است که مرتکب آن شده است. نظریه برچسب زنی با کار لمرت و بکر توسعه یافت. آنان معتقدند که معانی اجتماعی نظیر ارزش‌ها و قواعد همیشه از برخی جهات برای اعضای جامعه در موقعیت‌های واقعی نامعلوم و غیرمسلّم است. تأکید بر نسبیت معانی اجتماعی را ابتدا جامعه‌شناسان کنش متقابل نظیر چارلز هورتون کولی و جرج هربرت مید عنوان کردند. کولی با طرح مفهوم «خویش‌ن آینه‌گون» و مید با طرح «دیگری تعمیم یافته» نظریه برچسب زنی را در تبیین

بزهکاری و جرم توسعه دادند، زیرا این نظریه بر تغییرات در «تصورات از خود» در بزهکاران و مجرمان تأکید می‌کند.

لمرت (۱۹۵۱) بر این باور است که فرایند درگیر شدن فرد در رفتار بزهکارانه و مجرمانه و تبدیل شدن او به منحرف حرفه‌ای از دو مرحله می‌گذرد: در مرحله اول هر کسی ممکن است به عللی برای اولین بار مرتکب رفتار انحرافی شود که این نوع انحراف برای شخص پیامدهای ناچیزی دارد. لمرت به این رفتار که فرد مرتکب می‌شود و به خاطر آن برچسب منحرف دریافت نمی‌نماید را «انحراف اولیه» می‌گوید. هنگامی که رفتار انحرافی تداوم می‌یابد و عامل رفتار را تبدیل به بزهکار یا مجرم حرفه‌ای می‌کند و برچسب منحرف به فرد زده می‌شود «انحراف دومین» پدید می‌آید. انحراف دومین هنگامی پدید می‌آید که فرد منحرف به لحاظ رفتاری و هویتی وارد مرحله جدیدی شده که رفتار انحرافی برای وی نهادینه گردیده و می‌تواند با وجدان درونی خود کنار بیاید. [احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۱].

نظریه برچسب زنی به علل انحراف دومین می‌پردازد؛ زیرا فرد پس از برچسب خوردن تغییر هویت داده و خصیصه‌های همان برچسب را به خود می‌گیرد؛ برای مثال فردی که به علت قاچاق مواد مخدر زندانی شده پس از رهایی به علت برچسب منحرف، نه تنها نمی‌تواند شغلی بیابد بلکه چون فردی منحرف تعریف می‌شود و به مانند یک مجرم و بزهکار با وی رفتار می‌نمایند و مقبولیت اجتماعی خود را نیز به عنوان یک شهروند عادی از دست می‌دهد، در کنش متقابل اجتماعی با مردم به تدریج تغییر هویت داده و هویت یک مجرم را کسب می‌کند. بنابراین، فرد خصیصه‌های همان برچسب منحرف و جانی را به خود می‌گیرد، در نتیجه احتمال زیاد دارد که مجدداً مرتکب همان جرم یا جرایم دیگری چون اعتیاد و دزدی شود. [احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳].

یکی از ابعاد قدرت در بحث انحراف و فرایند برچسب زنی، نقش رسانه‌ها در خلق و بقای «عقاید قالبی» از منحرفان است. هر تأثیری ممکن است متنوع و موضعی باشد، یعنی در بستر تجربیات و پایگاه اجتماعی مخاطبان رسانه‌ها قرار گیرد. رسانه‌ها با در نظر گرفتن عواملی نظیر میزان جبری بودن انحراف، ویژگی‌های قربانیان و منحرفان، تولید کنندگان داستان‌های جنایی، منحصر به فرد بودن جرم و موقعیت و فراوانی جرم تصمیم می‌گیرند که چه چیزی را به عنوان اخبار انتخاب و منتشر کنند [احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴].

### پیشینه تحقیق:

تحقیقات انجام شده در ایران در دهه‌های اخیر بیانگر رابطه معنادار بین گسیختگی خانوادگی و بزهکاری جوانان است. پژوهش انجام شده بر روی جوانان بزهکار اردوی کار شهر تهران نشان می‌دهد که متلاشی شدن خانواده‌ها یا فاقد والدین بودن بر بزهکاری جوانان مؤثر است. از میان افراد مورد مطالعه تنها ۳۲ درصد پدر و مادر و خانواده نسبتاً با ثبات داشت‌هاند، ۷ درصد از جوانان بزهکار از والدین فوت شده، ۲۲ درصد فقط از پدر یا مادر داشته و بقیه با ناپدری یا نامادری می‌زیست‌هاند. [راسخ، ۱۳۴۲]. فاروقیان (۱۳۵۳) در تحقیقی با عنوان نگرشی بر بزهکاری نوجوان پسر و دختر ۱۵-۱۸ ساله محبوس در یکی از زندان‌های شهر تهران که وابسته به کانون اصلاح و تربیت جوانان بوده است نشان داد که بی‌ثباتی و تزلزل خانوادگی عامل مهمی در بزهکاری جوانان استدر مجموع براساس جمع‌بندی نظریه‌های بیان شده؛ برای تعیین تأثیر پیامدهای سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. عمده‌ترین پیامدهای مواد مخدر در توسعه فرهنگی کدام است؟
۲. سطح توسعه یافتگی از نظر مجموع پیامدهای مواد مخدر چقدر است؟

### فرضیه پژوهش:

بین پیامدهای فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی مصرف مواد مخدر و میزان توسعه یافتگی رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (Survey) و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی (Cross Sectional) می‌باشد که گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است.

## جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه آماری بررسی حاضر شامل کلیه زندانیان بندهای مواد مخدر زندان شهر تبریز می‌باشند که در سال ۱۳۸۸ تعداد آنان برابر ۱۱۸۱ نفر می‌باشد که از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد  $d = 0/05$  و حداکثر واریانس  $pq = 0/25$  حدود ۲۹۰ نفر به طور تصادفی ساده انتخاب شدند.

## نحوه سنجش سازه‌ها (Constructs):

برای سنجش تمامی سؤالات مربوط به سازه‌های (توسعه فرهنگی- و انواع پیامدهای ناشی از مواد مخدر) از طیف ۶ گزینهای لیکرت استفاده گردید که هر یک از سازه‌ها در مقیاس فاصله‌ای طبق معادله زیر سنجیده شد.

$$\frac{\text{کمترین نمره کسب شده از طیف} - \text{مجموع نمرات سؤالات هر سازه}}{100} \times 100$$

کمترین نمره - بیشترین نمره کسب شده از طیف

توسعه فرهنگی: در این پژوهش ۱۵ گویه برای سنجش میزان توسعه فرهنگی که ۵ شاخص شامل (تعلیم و تربیت، استفاده از تکنولوژی روز، نیروی انسانی، مشارکت اجتماعی و نقش رسانه‌ها) پس از تعیین اعتبار انتخاب شده و در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شد. پیامد اقتصادی مواد مخدر: در این پژوهش از ۳ شاخص (بیکاری، بی‌خانمانی، حراج وسایل زندگی) استفاده گردید. پیامد فرهنگی- اجتماعی مواد مخدر: در این پژوهش از شاخصهایی مانند (گسیختگی خانواده، عدم تربیت درست فرزندان، دوری از فرائض دینی، خشونت علیه همسر و فرزندان و...) استفاده گردید. پیامد بهداشتی مواد مخدر: در این پژوهش از ۳ شاخص (مشکلات جسمانی، ضعف جسمانی و بیماری‌های ویروسی) استفاده گردید.

## اعتبار (Validity) و پایایی (Reliability) سؤالات و گویه‌ها:

اعتبار گویه‌های متغیر وابسته (میزان توسعه فرهنگی) از طریق تکنیک تحلیل عاملی و براساس ضرایب بارعاملی آنها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد. پایایی سؤالات نیز براساس آزمون آلفای کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ها محاسبه گردید. طبق اطلاعات جدول شماره ذیل پایایی گویه‌های مربوط به پیامد اقتصادی مواد مخدر ۰/۷۴، پیامد فرهنگی- اجتماعی مواد مخدر ۰/۷۹، پیامد بهداشتی مواد مخدر ۰/۷ و توسعه فرهنگی ۰/۷۳ بدست آمده است. که همه سازه‌های مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤالات ۰/۶ است [قاضی طباطبائی، ۱۳۷۱: ۶۰]. پایایی سؤالات مربوط به سازه‌های مورد بررسی

مقدار آلفا	تعداد سؤال	سازه
۰/۷۴	۴	پیامد اقتصادی
۰/۷۹	۱۷	پیامد فرهنگی- اجتماعی
۰/۷	۴	پیامد بهداشتی
۰/۷۳	۱۵	توسعه فرهنگی

## یافته‌ها:

در مقاله حاضر ابتدا به توصیف متغیرهای فردی و سازه‌های (Constructs) بررسی شده پرداخته‌ایم، سپس بررسی روابط متغیرها با



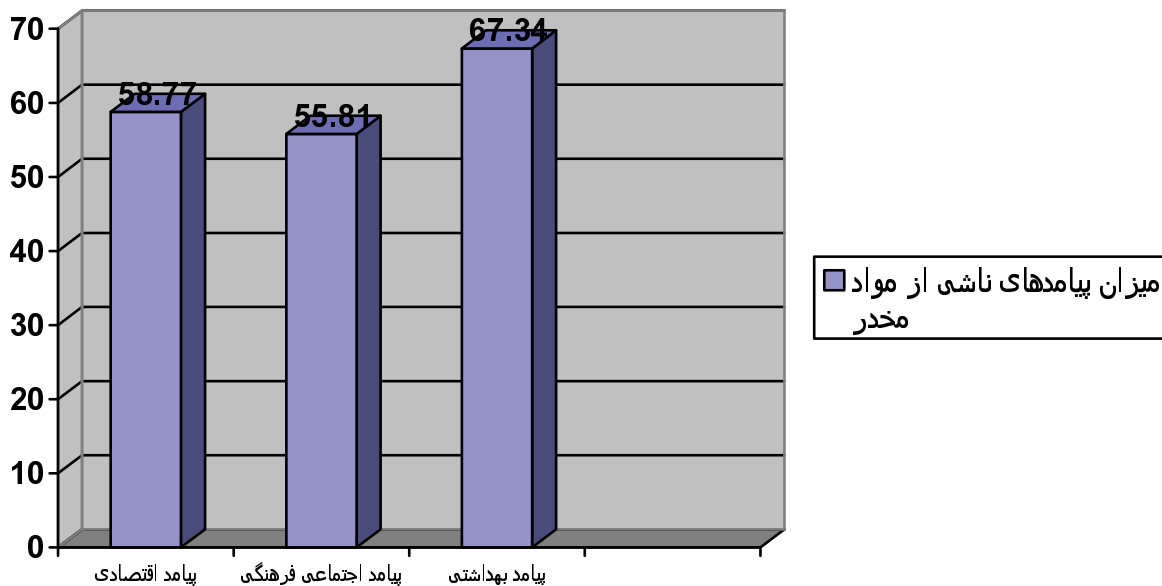
استفاده از آزمون‌های دو متغیری و چند متغیری انجام شده است.

### اطلاعات توصیفی:

در مطالعه حاضر ۴۷/۶ درصد از پاس‌خگویان مؤنث و ۵۲/۴ درصد مذکر بودند که ۳۳/۴ درصد مجرد و ۶۳/۴ درصد را افراد متأهل و ۳/۲ درصد را افراد مطلقه و بیوه تشکیل داده‌اند. در مجموع متوسط سن حاشیه نشینان مورد مطالعه ۳۲/۵ سال با انحراف استاندارد ۱۳/۰۳ و با حداقل سن ۱۶ و حداکثر ۷۹ بوده است از نظر وضعیت تحصیلات نیز حدود ۲۵ درصد افراد ابتدایی و ۲۴ درصد نیز دیپلم بوده‌اند. با این توصیف که ۱۰ درصد بیسواد و فقط ۶/۵ درصد بالای دیپلم هستند. سؤال (۱) عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی حاشیه نشینان کدام‌ها هستند؟

### توزیع فراوانی موارد قانون‌گریزی حاشیه نشینان

عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی توسط حاشیه نشینان طبق نمودار شماره (۱) عبارتند از: نادیده گرفتن حقوق دیگران هنگام تأمین نیازمندیهای روزانه، عبور از چراغ قرمز بوده است. در مقابل کمترین نسبت موارد قانون‌گریزی آزار یا کشتن حیوانات و تجربه رابطه نامشروع جنسی بوده است و سایر مصادیق قانون‌گریزی نیز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع ۹۰ درصد از حاشیه نشینان مورد مطالعه حداقل یکبار در طول ۴ ماه اول سال ۸۷ قانون‌گریزی داشت‌هاند که درصد بسیار بالایی است.



نمودار شماره ۱. توزیع فراوانی قانون‌گریزی حاشیه نشینان

سؤال (۲) سطح قانون‌گریزی حاشیه نشینان از نظر مجموع موارد قانون‌گریزی چقدر است؟

### توزیع پراکندگی میزان قانون‌گریزی حاشیه نشینان

براساس اطلاعات جدول شماره (۲) متوسط نمرات قانون‌گریزی حاشیه نشینان براساس مؤلفه‌های مندرج در نمودار شماره (۲) ۲۷/۳ درصد با انحراف استاندارد ۱۱/۵۱ بدست آمده است بطوریکه حداقل میزان قانون‌گریزی صفر و حداکثر ۶۶/۶۷ می‌باشد که در مجموع میزان قانون‌گریزی در بین حاشیه نشینان یک آسیب جدی تلقی می‌شود زیرا سطح شیوع آن نسبتاً بالا می‌باشد. بطوریکه با مقایسه نمرات

گرایش به قانون ملاحظه می‌شود هنجارمندی قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن از نظر حاشیه نشینان به طور نسبی در حد پایینی ارزیابی شده است.

#### جدول شماره ۲. توزیع پراکندگی قانون‌گریزی حاشیه نشینان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
قانون‌گریزی	۳۴۳	۲۷/۳	۱۱/۵۱	۰/۵۳	۶۶/۶۷	۰	۱۰۰

#### توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

براساس اطلاعات جدول شماره (۳) میانگین گرایش به قانون و ارزیابی کارکردهای آن در جامعه توسط حاشیه نشینان برابر ۴۷/۳ بدست آمده است بطوریکه حداقل نگرش در بین شهروندان صفر و حداکثر ۱۰۰ می‌باشد که در جمع‌بندی‌های می‌توان نگرش به قانون تقریباً در حد متوسط است.

#### جدول شماره (۳) توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
نگرش به قانون	۳۵۴	۶۳/۳	۱۸/۰۷	-۰/۹	۱۰۰	۰	۱۰۰

#### توزیع پراکندگی نمرات مشارکت اجتماعی حاشیه نشینان

براساس اطلاعات جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که متوسط نمرات مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه برابر ۶۱/۷۸ درصد با انحراف استاندارد ۱۶/۸ است. در واقع حداقل نمره مشارکت صفر و حداکثر ۹۶/۶۷ می‌باشد. یعنی در نتیجه‌گیری کلی می‌توان قضاوت کرد که مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه در حد متوسط است و سطح مشارکت در بین حاشیه نشینان در حد مطلوبی نیست.

#### جدول شماره ۴. توزیع پراکندگی نمرات مشارکت شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
مشارکت اجتماعی	۳۰۱	۶۱/۷۸	۱۶/۸	-۰/۷	۰	۹۶/۶۷	۹۶/۶

#### توزیع پراکندگی نمرات فرهنگ فقر در بین حاشیه نشینان

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود که متوسط نمرات وجود فرهنگ فقر در بین حاشیه نشینان مورد مطالعه ۳۳/۳۵ درصد با انحراف استاندارد ۱۶/۳۴ می‌باشد به طوریکه حداقل نمره بیان شده صفر و حداکثر ۸۰ است. یعنی در مجموع میزان وجود فرهنگ فقر در بین حاشیه نشینان تقریباً متوسط است و انتظار می‌رود تا حدودی در قانون‌گریزی آن‌ها مؤثر باشد.

#### جدول شماره ۵. توزیع پراکندگی نمرات فرهنگ فقر در میان حاشیه نشینان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
فرهنگ فقر	۳۵۰	۳۳/۳۵	۱۶/۳۴	۰/۱۸	۰	۸۰	۸۰

#### توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

براساس اطلاعات مندرج در شکل شماره (۶) ملاحظه می‌شود که ۱۳/۷ درصد از حاشیه نشینان

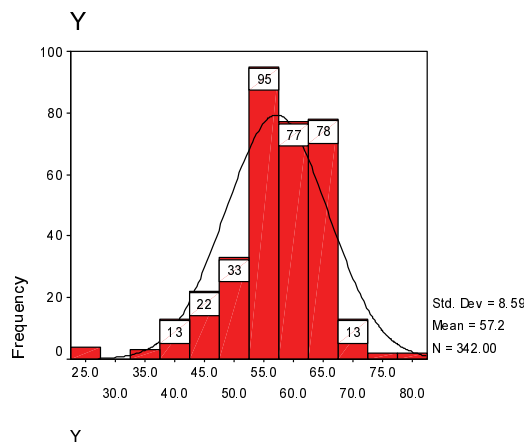
مورد مطالعه دارای تجربه مرگ والدین در کودکی، ۲۲/۹ درصد غیبت دائمی یکی از والدین در خانه، ۳/۹ درصد طلاق والدین، ۹/۲ درصد زندگی با اقوام، ۱۳/۲ اعتقاد به فرق بین فرزندان در خانه، ۳۷/۹ درصد دعوی والدین در خانه، ۸/۷ درصد دارای والدین معتاد، ۵/۸ درصد معلولیت یا ناتوانی جسمی از بدو تولد، که بیشترین درصد مربوط به نزاع و دعوی والدین در خانه و غیبت یکی از والدین در خانه به علت مرگ یا طلاق است.

### توزیع پراکندگی رعایت قانون حاشیه نشینان مورد مطالعه:

براساس اطلاعات جدول شماره (۶) ملاحظه می شود که به طور متوسط میزان رعایت قانون حاشیه نشینان در طول ۴ ماهه اول سال ۸۷ برابر ۵۷/۱۶ درصد با انحراف استاندارد ۸/۵۸ بدست آمده است به طوریکه حداقل نمره رعایت قانون ۲۴/۴۲ و حداکثر ۷۷/۷۸ است. و میزان رعایت قانون در بین حاشیه نشینان منطقه آخمقیه تبریز متوسط می باشد و نشانگر اینست که میل به قانونگریزی در بین این افراد بالاست.

جدول شماره ۶. توزیع پراکندگی نمرات تجربه قانون گریزی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
رعایت قانون	۳۴۲	۵۷/۱۶	۸/۵۸	-۰/۷۴	۲۴/۴۲	۷۷/۷۸	۵۳/۳۳



نمودار شماره (۲) توزیع پراکندگی رعایت قانون حاشیه نشینان مورد مطالعه

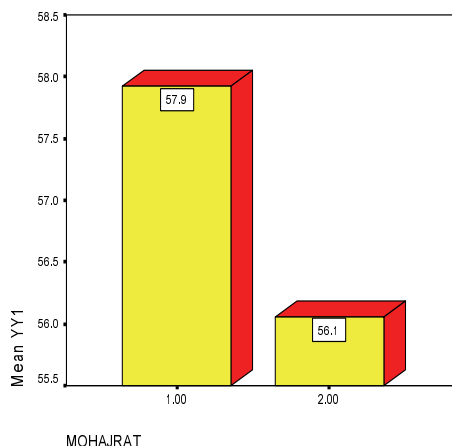
### آزمون فرضیه ها:

فرضیه شماره (۱) میزان رعایت قانون (قانون گریزی) حاشیه نشینان براساس محل تولد (خاستگاه اجتماعی) والدین آنان متفاوت است. مقایسه میزان قانون گریزی براساس بومی یا مهاجر بودن والدین حاشیه نشینان:

با توجه به نظریه بوم شناختی برگس (وجود جرم و بزهکاری بیشتر در بین حاشیه و مراحل انتقالی) و نظریه شکاف نسل فلاکس، خاستگاه اجتماعی (مهاجر روستا و بومی شهر بودن) بر قانونگریزی حاشیه نشینان مؤثر است. براساس اطلاعات جدول شماره (۷) و مطابق با آزمون تفاوت میانگین انجام شده ملاحظه می گردد که بین محل تولد والدین حاشیه نشینان و قانونگریزی آنان با مقدار  $t = 1/97$  با سطح معنی داری آزمون  $p = 0/04$  معنی دار می باشد پس نتیجه می گیریم که محل تولد والدین به عبارتی میزان مهاجرت والدین افراد مورد مطالعه بر عدم رعایت قانون تأثیر مستقیم ضعیفی وجود دارد.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون تفاوت میانگین و یکنواختی واریانس‌ها برای متغیرهای قانون‌گریزی و خاستگاه اجتماعی والدین

متغیرها	خاستگاه والدین	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه معیار	F	p	T	df	p
قانون‌گریزی	تبریز	۱۳۸	۵۶/۰۵	۹/۰۲	۰/۷۶	۰/۰۶	۰/۷	۱/۹۷	۳۴۰	۰/۰۴
	مهاجرت	۲۰۴	۵۷/۹۱	۸/۲۱	۰/۵۷					



نمودار شماره ۳. میانگین رعایت قانون حاشیه نشینان بر حسب خاستگاه اجتماعی والدین

میزان رعایت قانون (قانون‌گریزی) حاشیه نشینان به پایگاه فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، نگرش به قانون، میزان مشارکت، تحصیلات حاشیه‌نشینان، بعد خانوار و خاستگاه اجتماعی والدین حاشیه نشینان بستگی دارد. پس از سنجش همبستگی تک به تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (میزان رعایت قانون) و با توجه به نتایج جدول ذیل فقط بین فرهنگ فقر، تحصیلات، نگرش به قانون همبستگی وجود دارد که در ادامه جهت تبیین به رگرسیون گام به گام انجام گردید.

متغیر وابسته	سطح معنی داری آزمون	مقدار R پیرسون	ضریب تعیین
متغیر مستقل			
نگرش به قانون	۰/۰۰۰	۰/۲۹	۰/۰۸۵
فرهنگ فقر	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۷	۰/۰۷
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۲۱۳	۰/۰۵
سطح تحصیلات	۰/۰۰۴	۰/۱۵	R اسپیرمن
فقر فرهنگی	۰/۲۹	-۰/۶	.....

براساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (step wise) و مطابق با جدول شماره ۸) در تبیین میزان رعایت قانون حاشیه نشینان از روی مجموع متغیرهای مستقل معنی دار باقی مانده در ۵ گام موجود فرضیه شماره ۲)، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی

چندگانه برابر  $R = 0/57$  و ضریب تعیین  $R^2 = 0/32$  و ضریب تعیین خالص  $\bar{R}^2 = 0/31$  بدست آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی دار موجود در مدل می توان تا حدود 31 درصد واریانس میزان رعایت قانون حاشیه نشینان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای مستقل ملاحظه می شود:

به ترتیب نگرش به قانون با بتای  $\beta = 0/357$ ، سطح تحصیلات با بتای  $\beta = 0/234$  تأثیر مثبت و خاستگاه اجتماعی والدین با بتای  $\beta = -0/207$ ، بعد خانوار با بتای  $\beta = -0/149$  و فرهنگ فقر حاشیه نشینان با بتای  $\beta = -0/137$  بیشترین تأثیر منفی را در پیش بینی قانونگریزی حاشیه نشینان دارند که ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیونی خطی است ( $F = 19/41$ ،  $p = 0/000$ ). در مجموع فرهنگ فقر، پائین بودن نگرشی به قانون، پائین بودن تحصیلات، بعد خانوار و فقر شهروندی (مشارکت کم) تأثیر معنی داری بر رعایت قانون و بالطبع ترغیب به قانون گریزی حاشیه نشینان دارند و گزینه فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیل می دهد که فرد را برای قانون گریزی و عدم احساس مسئولیت در برابر قانون آماده می سازد که این خود تعامل چند وجهی انواع آسیب های اجتماعی را فراهم می آورد که در معادله زیر و براساس ضرایب بتای استاندارد شده مدل میزان رعایت قانون برازش شده است.

$$\text{(سطح تحصیلات)} + 0/21 + \text{(نگرش قانون)} - 0/33 = \text{میزان رعایت قانون}$$

$$\text{(بعد خانوار)} - 0/16 - \text{(خاستگاه اجتماعی والدین)} - 0/17 - \text{(فرهنگ فقر)} - 0/18$$

جدول شماره (8) تبیین میزان رعایت قانون حاشیه نشینان براساس فرهنگ فقر، بعد خانوار، نگرش به قانون، خاستگاه اجتماعی والدین و تحصیلات

شاخصهای آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد مدل
مدل 1				
مقادیر	0/574	0/329	0/312	6/97

جدول شماره 9. ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر رعایت قانون حاشیه نشینان

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها
		Beta	Std.Error	
0/000	15/87		3/31	مقدار ثابت
0/000	5/65	0/33	0/02	نوع نگرش به قانون
0/000	3/59	0/21	0/32	تحصیلات
0/000	-3/07	-0/18	0/03	فرهنگ فقر
0/004	-2/91	-0/17	0/99	خاستگاه اجتماعی والدین
0/009	-2/64	-0/16	0/24	بعد خانوار

متغیر وابسته: میزان رعایت قانون (قانونگریزی)

**نتیجه‌گیری:**

با توجه به اینکه هدف عمده، تبیین قانون‌گریزی با توجه به میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان براساس حوزه‌های ابعاد فقر بود؛ بنابراین در مؤلفه‌بندی فقر به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، نگرشی پرداخته شد. قانون‌گریزی نیز براساس مصادیق و موارد عمده آن از قبیل آسیب‌رسانی به اموال عمومی، نادیده گرفتن حقوق مردم، رشوه دادن و رشوه گرفتن، بی‌توجهی به علائم راهنمایی رانندگی، قاچاق کالا، سقط نوزاد، و... سنجیده شد. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که ۹۰ درصد از حاشیه‌نشینان در طول ۴ ماهه اول سال ۱۳۸۷ حداقل یکبار قانون‌گریزی داشت‌هاند اگر مکانیسم‌های نظارت وجود نداشته باشد احتمال تکرار قانون‌گریزی وجود دارد که چنین وضعیتی از نظر آماری یک آسیب اجتماعی جدی تلقی می‌شود.

با بررسی شیوع قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان ملاحظه شد که مصادیق و شیوع قانون‌گریزی‌ها از وضعیت فرهنگی - اجتماعی و ادراکات حاشیه‌نشینان تبعیت می‌کند. از اینرو در تبیین نظری قانون‌گریزی مشخص گردید که تضاد اقتصادی - اجتماعی و شیوع فقر مهمترین عامل رفتارهای قانون‌گریزی است و این نه به دلیل عوامل روانشناختی است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقه پائین و فقرا اعمال می‌شود و قوانین دارای کارکردهای مساوی برای همه طبقات نیستند و توانمندی‌های طبقات مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در امتداد نظریه تضاد چمبرز نیز معتقد است نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد که در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌شوند که این نیز بر ناتوانی، بی‌قدرتی، عدم هنجارپذیری آنان می‌افزاید [چمبرز، ۱۹۹۸: ۸۳]. مرتن نیز در نظریه ساختاری فرصت استدلال می‌کند که برای مردم فقیر ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نیستند بنابراین این گروه به روش‌های جدید سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند و برای تطبیق‌پذیری رفتارهای غیرقانونی را برای پاسخگویی به تقاضاها و رفع نیازهای خود ضروری می‌دانند [مؤمنی، ۱۳۸۱: ۳۲].

از نظر مرتن این گروه از افراد (فقرا) با توجه به نیازها، باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل خود بر رفتارهای قانون‌گیزانه صحه می‌گذارند و آن را بعنوان اخلاق به طور ناخودآگاه دنبال می‌کنند [همان: ۳۳]. در نتیجه به انواع فرافکنی‌ها و تکنیک‌های خنثی‌سازی متوسل می‌شوند و قانون‌شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن فرد می‌دانند که می‌توانند به بازده مثبت برسند [صالحی، ۱۳۷۸: ۱۰۷]. ساترلند چنین وضعیتی را براساس الگوی انتقال فرهنگی تبیین کرده است که باعث گسترش قانون‌گریزی و شیوع قانون‌گریزی به عنوان شکل‌گیری آسیب اجتماعی مطرح می‌کند [گر، ۱۳۷۹: ۲۴].

در ادامه مباحث فوق و طبق تبیین جغرافیایی و بوم‌شناختی قانون‌گریزی نیز برگس به مناطق انتقالی در حوزه‌های شهری توجه کرده است و با آسیب‌شناسی مناطق شهری تأیید کرد که مناطق ویژه‌ای با مشخصات سطح بالای تحرک، تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی و وجود گروه‌های خردفرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنان این مناطق مشخص می‌شود [احمدی، ۱۳۷۷: ۵۸]. بنابراین در نظریه‌های ارائه شده مشخص گردید که فقر نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی در زمینه‌سازی اعمال قانون‌گیزانه اهمیت بسزایی دارد و متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای مانند نداشتن الگوی زندگی مدنی، ضعف اعتقادات دینی، بی‌سوادی و کم‌سوادی و آشنا نبودن با الگوهای شهروندی شدن قانون‌گریزی را افزایش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری فوق در تحقیق حاضر نیز ارتباط فقر با قانون‌گریزی، مشارکت اجتماعی و نگرش به قانون بررسی شد که در نتیجه مشخص گردید سطح قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین جامعه بالاست است. در نتیجه تلقی مثبت از ابزارهای نظم‌دهی و قوانین نیز در جامعه در حاشیه‌نشینان کمتر است ضمن آنکه مهارت‌های لازم برای شهروندگرایی نیز بسیار پائین‌تر از طبقه متوسط شهری جامعه بود که این یافته نظریه مرتن و ساترلند را تأیید می‌کند و مطابق با نظریه آن‌هاست. همچنین یافته اخیر با نظریه برگس نیز مطابقت دارد چرا که از نظر برگس قانون‌گریزی نتیجه تعاملات فرهنگی و زیستی است که در حاشیه‌نشینان بیشتر مصداق دارد. اسکار لوئیز با طرح نظریه فرهنگ فقر معتقد است هنگامی که به فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک توجه می‌شود، آنچه در نظر مجسم می‌شودخانه‌های خراب، ازدحام جمعیت، درهم جوشی مردم و بالاتر از همه نبودن تشکیلات و سازمان‌هایی است که دامنه گسترش و

نفوذشان به ورای محدود خانواده می‌رسد. هنگامی که جمعیت محله را گروه قومی-نژادی و زبانی خاصی تشکیل دهند که افراد آن را از راه پیوندهای خویشاوندی به هم پیوستگی داشته باشند و هنگامی که احساس هم‌گروهی و تعلق خاطر به اجتماع محلی در بین افراد به حد روستانشینان برسد زمینه برای رفتارهای جمعی و بعضاً مخرب (شکل‌گیری دارودسته‌های مجرم و بزهدار) فراهم می‌شود.

با توجه به نظریه مارکس که عامل اقتصادی را زیربنای سایر عوامل می‌داند، در رابطه با حاشیه‌نشینان و طرز زندگی و فرهنگ، نوع نگرش، سطح تحصیلات و... می‌توان عاملی که از همه مهم‌تر و تأثیر گذارتر در نوع برخورد، زندگی و رفتارشان می‌باشد یعنی بحث مالی و اقتصادی را عنوان نماییم. سایر عوامل همچون فقر اجتماعی، فرهنگ فقر و... در کنار فقر مالی به وجود آمده و به عنوان کاتالیزور در ترغیب به قانون‌گریزی آن‌ها مؤثرند. اینان به علت نیاز اولیه زندگی و جهت گذران زندگی دست به کارهای مختلف اعم از قانونی و غیرقانونی می‌زنند. و اگر از شدت تفاوت طبقاتی در جوامع شهری کاسته شود و ایجاد شغل برای حاشیه‌نشینان نیز با توجه به این مهم که در بخش‌های صنعتی شهر (حواشی شهر) مستقر می‌باشند، مهیا گردد، آنگاه می‌توان به فرهنگ‌سازی و امنیت اجتماعی حاشیه‌نشینان توجه نمود.

طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که بسترهای لازم برای قانون‌گریزی به ادراکات و نگرش‌های مثبت افراد به پیرامون محیط‌شان بستگی دارد. زیرا در درون همه طبقات سطحی از قانون‌گریزی وجود دارد ولی تکرار و شیوع آن در حاشیه‌نشینان به دلیل وجود ابعاد دیگری از فقر شدت بیشتری دارد. این عوامل عبارتند از فقر شهروندی و بیگانگی نسبت به قانون (نگرش منفی به قانون) که مکانیسم خنثی‌سازی را در بین آن‌ها فعال می‌کند و قانون‌گریزی را زرنگی تلقی می‌کنند که به راحتی نزد سایر افراد گروه خود مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در این میان تعداد زیاد اعضای خانواده و خاستگاه اجتماعی والدین نیز در ترغیب حاشیه‌نشینان به قانون‌گریزی مؤثرند.

#### ۱۳) پیشنهادهای عملی

۱. پیشنهاد می‌شود سطح علمی و رفاهی و شغلی روستاها به حدی باشد که جوانان روستایی برای دستیابی به شغل مورد نظر، ادامه تحصیل و زندگی بهتر راهی شهرها نشوند. بالفرض از فارغ‌التحصیلان مقاطع بالای دانشگاهی در روستاها و مناطق حاشیه‌نشین دعوت به تدریس گردد در اینصورت علاوه بر خواسته بالا برای خود فارغ‌التحصیلان بیکار (اکثر دارندگان مدارج بالای علمی بیکارند و یا در شغل‌های غیر تخصصی فعالیت می‌کنند)، ایجاد اشتغال می‌گردد.

۲. با توجه به مشکلات ظاهری مناطق حاشیه‌نشین، عدم برخورداری از امکانات آب و برق و گاز و... و خیابان‌های مملو از زباله، پیشنهاد می‌شود از جوانان بیکار همین مناطق جهت همکاری در بهسازی منطقه و امدادسانی به مناطق فقیرنشین هم‌ايجاد اشتغال نموده و با این روش خود جوانان افراد خلافکار را مواخذه خواهند نمود، در نتیجه رعایت نظم و پاکیزگی محیط و... در مردم منطقه درونی خواهد گردید و از لحاظ سطح کیفی به مناطق شهری نزدیک گردند.

۳. وزارت مسکن بجای ایجاد شهرک‌های جدید می‌تواند نسبت به تملک بافت‌های فرسوده و حاشیه‌شهرها اقدام و شهرک‌های مدرن احداث نماید که هم از استقبال خوبی برخوردار می‌شود و همچنین مشکلات رفاهی آن‌ها از بین می‌رود.

۴. با توجه به صنعتی بودن شهر تبریز و وجود کارخانه‌های معروفی چون تراکتورسازی، در منطقه حاشیه‌نشین آخمه‌قیه، بهتر است از فارغ‌التحصیلان و جوانان همین منطقه با توجه به سطح تحصیل و توانایی‌های تجربی جهت اشتغال در این کارخانه‌ها استفاده گردد که این می‌تواند علاوه بر درآمدزایی و ایجاد اشتغال برای جوانان و خانواده آن‌ها، به ترغیب سایر جوانان این منطقه به ادامه تحصیل و تخصص باشد؛ زیرا چشم‌انداز روشنی از لحاظ اشتغال پس از تحصیل، پیش‌رویشان خواهد بود.

۵. شهرداری و سازمان‌های مربوطه در رابطه با حفظ نظم و هنجارها و مقررات قانونی وضع شده در جامعه و شفاف‌سازی فواید رعایت قانون و پیامدهای منفی حاصل از قانون‌گریزی برای افراد بالاخص جوانان با نصب بیلبردهای تبلیغاتی در محل و آیتم‌های نمایشی و کارتون‌های فرهنگ‌سازی نمایند. حتی رؤسای آموزش و پرورش، با چاپ کتاب‌های مربوط به اینگونه آگاهی‌ها به صورت اجباری و به عنوان واحد درسی به دانش‌آموزان ارائه نمایند تا دانش‌آموزان به صورت پایه‌ای آموزش یابند و وجودا بیاموزند که رعایت نظم و مقررات چه فوایدی و قانون‌شکنی چه مضراتی برای جامعه به همراه دارد.

۶. مسئولان شهرداری منطقه ۷ نیز با ایجاد اماکن عمومی و تفریحی مثل پارک و سینما و اسخر و افتتاح کتابخانه و...، همچنین

آموزشگاههای مختلف در مناطق حاشیه نشین، سعی در پر کردن اوقات فراغت جوانان نموده و با برگزاری مسابقه‌های ورزشی و تفریحی در پارک‌ها تا حد امکان از حضور در پاتوقها و دوستان ناباب و معتاد جلوگیری گردد.

۷. وضع قوانین با توجه به نیاز مردم محروم جامعه انجام پذیرد و هرچند سال یکبار بعضی از قوانینی که موفقیت اجرایی نیافت‌هاند اصلاح گردند و قوانین طوری وضع گردد که مردم خود موظف به اطاعت از آن باشند نه اینکه بخاطر عدم جریمه و احساس ترس، قوانین را رعایت و اجرا نمایند.

۸. رؤسای شهر نیز دو بار در سال جهت سخنرانی و رسیدگی به مشکلات حاشیه نشینان، در آن مناطق حضور یابند تا حاشیه نشینان خود را از سایر مردم شهر و قوانین حاکم بر شهر جدا نبینند و ملزم به رعایت قوانین گردند.

۹. کمیته امداد و هلال احمر نیز با توجه به نتایج تحقیقات مسئولان خود را به این مناطق فرستاده تا افرادی که در فقر مالی شدید به سر می‌برند، شناسایی نموده و با تمهیدات ویژه‌ای به رفع قسمتی از مشکلات آن‌ها فائق آیند.

### منابع فارسی:

۱. احمدی، حبیب. (۱۳۷۷)، نظریه انحرافات اجتماعی، انتشارات زر، شیراز.
۲. —، —. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، تهران.
۳. چمبرز، رابرت. (۱۹۹۸)، توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا، ترجمه: مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. دواس، دی.ای. (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۵. ربانی، رسول و فریدون وحیدا. (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی شهری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ دوم، اصفهان.
۶. ستوده، هدایت ا... (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ هفتم، تهران.
۷. —، —. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ندای آریانا، چاپ اول، تهران.
۸. شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی شهری، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران.
۹. شیرینی، طهمورث. (۱۳۸۳)، علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده قانون‌گریزی و پیامدهای آن در جامعه ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۱۰. صالحی، مصطفی. (۱۳۷۸)، عوامل و موانع قانون‌گرایی، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۲۱-۲۰.
۱۱. صداقت، کامران. (۱۳۸۲)، کاربرد تکنیک تحلیل عاملی، جزوه دانشگاهی، دانشگاه آزاد واحد تبریز.
۱۲. —، —. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز، پایان نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان.
۱۳. صمدی، لیلا. (۱۳۸۲)، قانون‌گریزی و راهکارهای آن، نشریه سپید، شماره ۳۵.
۱۴. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۸)، موانع قانون‌گرایی در ایران، نشریه فرهنگ عمومی، شماره ۲۱-۲۰.
۱۵. فولادیان، احمد. (۱۳۸۴)، بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی حاشیه مشهد و مقایسه آن با مرکز شهر در زمینه گرایش جوانان به انحرافات اجتماعی، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد تهران.



۱۶. کرلینجر، فرد و پد هازر. (۱۳۸۴)، رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، تهران.
۱۷. کلانتری، خلیل. (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، انتشارات شریف، چاپ دوم، تهران.
۱۸. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: صبوری، منوچهری. تهران، نشرنی.
۱۹. فریار، اکبر. (۱۳۷۶)، جزوه درسی، دانشگاه تبریز.
۲۰. قاضی طبابایی، محمود. (۱۳۷۱)، تکنیکهای خاص تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۱. گرتدراپرت. (۱۳۷۹)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران.
۲۲. گنجی، والیه و حاتمی. (۱۳۸۴)، بررسی برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی کارمندان اداره کل کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه پیام نور تبریز.
۲۳. ماهروی، ابوالحسن. (۱۳۸۱)، حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان نشریه صدای عدالت.
۲۴. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۲۵. مهندسین مشاور معماری و شهرسازی زیستا، (۱۳۸۳)، گزارش حاشیه نشینان تبریز.
۲۶. مؤمنی، پروین. (۱۳۸۰)، قانون‌گریزی، علل و عوامل آن، نشریه وکالت، شماره ۵.
۲۷. ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، نظریه‌ها و دیدگاه‌های انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.
۲۸. سایت این روزها، نوروزی، سجاد. <http://www.inroozha.com/maghalat/urarchives/0.0627.php>

## References

1. Bayram Uzun & Mehmet Geto , (2004). A model for solving in formal settlement issues indeveloping countries. Fig working week.
2. Compbell , A , (1987). “self – reparted delinquency and home life Evidence from sample of british girls” , journal of youth and Adolescence , 16.
3. Castells. M , (1981). “ La question urbaine”. Maspero , Paris.
4. Clinard , B.Marshal. (1965) , Slums & community development. The free press.
5. Gar Reau J. (1992), “Edge city life on the new frontier” USA.
6. Kraus. J.J. (1971), “The Relationship of for types of broken – home : to some Neglected parameters of Juvenile Deliquency, 4:52-57.
7. Lenwrt , Edwid M. (1967). Human Deviance social problems & social control, New York : prentice Hall.
8. Lowensteins , L. F (1986). “Vandalism in schools” , Journal of health at schools , Vol 2,NO,3:12-73.
9. Potter , R. B & S. Liloyd – Evans (1998) The city in the developing. Essex : Long man.p.137.
10. Richards , M + Wbls ; A (2004). Sm pacts of lilegahy and barriers to legality, Henduras international forestry Review.
11. U N – Habitat annual repot , (2005). Responding to the challenges of an urbanizing world : The world bank & UNCHS (Habitat) , (1999-2000). Cities Alliance for cities without slums :action plan.